

طبقه‌بندی گیاهان در آثار گیاه‌شناسی و پزشکی دوره اسلامی

شمامه محمدی فرا^۱

گیاه‌شناسی یا علم التّبات، دانش مطالعه جنبه‌های گوناگون زیستی گیاهان، از جمله ویژگیهای ریختی و تکریدی آنهاست. این علم در برخی تمدن‌ها علم مستقلی بوده اما در متون اسلامی، علم مجزایی نبوده است. در کتاب الحدود جابر بن حیان که کهنترین اثر عربی موجود درباره تقسیم‌بندی علوم است، گیاه‌شناسی و حتی کشاورزی به عنوان علوم مستقل عرضه نشده‌اند. در دیگر آثار مرتبط با دسته‌بندی و تعریف علوم مانند جامع العلوم فخر رازی، ارشاد القاصد ابن اکفانی و نوادر التبادر لثحفة البهادر دنیسری نیز نامی از این علم به میان نمی‌آید. تنها در برخی آثار قرن چهارم به بعد مانند احصاء العلوم فارابی (ص ۱۰۱)، رسائل اخوان الصفا (ج ۱، ص ۲۶۳) و مفاتیح العلوم خوارزمی (ص ۱۳۳) گیاه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی مجزا به حساب آمده است. به همین دلیل مطالب مربوط به این علم عمدتاً از متون داروشناسی، پزشکی و کشاورزی قابل استخراج است. همچنین شباهت چندانی بین متون علمی مربوط به گیاه‌شناسی دوره اسلامی با گیاه‌شناسی امروزی دیده نمی‌شود. از معدود جنبه‌های مشترک متون قدیم دوره اسلامی با علم امروزی آن است که گاه حکمای مسلمان به پیروی از حکمای یونانی مانند تئوفراستوس و دیوسکوریدس، به توصیف ویژگی‌های ظاهری گیاهان پرداخته‌اند. این توصیف‌ها بخش ناچیزی از توضیحات مربوط به هر گیاه را در متون دوره اسلامی شامل می‌شود زیرا آنچه برای این حکما اهمیت داشته، توجه به قوا، طبع و جنبه‌های کاربردی هر گیاه بوده است. دیگر شباهت گیاه‌شناسی دوره اسلامی با گیاه‌شناسی امروزی آن است که گاه برای شناساندن انواع گوناگون یک گیاه، اضافاتی مانند بَرّی، بستانی، جبلی، نهری و... را به نام گیاه می‌افزودند که یادآور شیوه نامگذاری علمی دوتایی امروزی است.

۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ علم بنیاد دایرةالمعارف اسلامی؛ sh.mohammadifar@yahoo.com

بررسی منابع شاخص دوره اسلامی:

از بررسی متون مهم و شاخص گیاه‌شناسی و داروشناسی دوره اسلامی می‌توان به چند الگوی ویژه برای مطالعه داروهای گیاهی و تا حدی طبقه‌بندی آنها پی‌برد؛ در کتابی مانند الحشائش (هیولی الطب فی الحشائش والسموم) دیوسکوریدس که مرجع مهمی برای داروشناسی دوره اسلامی است، هم به جنبه‌های کاربردی گیاه توجه شده است و هم نوعی طبقه‌بندی زیستی مبتنی بر ریختار گیاهان به چشم می‌خورد. کتاب ابوحنیفه دینوری نیز از منظری دیگر منبع شاخصی به حساب می‌آید؛ از نوشته‌هایش چنین برمی‌آید که مؤلف به پیمایش‌های صحرائی و میدانی پرداخته است. همچنین به جنبه‌های کاربردی توجه داشته اما برخلاف دیگران که عمدتاً به کاربردهای دارویی گیاه پرداخته‌اند بیشتر به کاربردهای صنعتی و نیز مطالب مرتبط با کشاورزی پرداخته است و بر این اساس می‌توان نوعی تقسیم‌بندی کاربردی از کتابش استخراج کرد. در میان آثار پزشکی، به کتاب‌های افراد پیشرویی مانند رازی و مجوسی می‌پردازیم زیرا هم دارای شاخص قدمت هستند و هم اینکه به نوعی مطالعه و تقسیم‌بندی زیستی - پزشکی دست زده‌اند. این دو مؤلف، هم به ویژگی‌های ریختی گیاهان و هم به کاربرد آنها توجه داشته‌اند. در ادامه مقاله، مطالب مربوط به گیاه‌شناسی و به‌ویژه طبقه‌بندی گیاهان در آثار این حکما را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم.

الحشائش دیوسکوریدس:

پدانیوس دیوسکوریدس، گیاه‌داروشناس مشهور یونانی در سده نخست میلادی، و شخصیتی تأثیرگذار بر گیاه‌شناسی دوره اسلامی است. وی کتابی درباره خوراکی‌های دارویی و به ویژه داروهای ساده جانوری، کانی و عمدتاً گیاهی تألیف کرد که در دوره اسلامی اغلب به الحشائش معروف شد.^۱

دیوسکوریدس اثرش را به پنج مقاله تقسیم کرده است.

مقاله نخست: در ویراسته دوبرو و ترس، داروهای این بخش (ص ۱۱-۱۲۵) شامل موارد زیر است:

الف - گیاهان دارویی معطر شامل برخی از بوی‌افزارها و دیگرافزارها؛ به تعداد ۲۴ عدد، از جمله سوسن، دارچین، بلسان و زعفران.

ب - روغنهای خوراکی (زیتها) و مالیدنی به تعداد ۳۵ عدد، از جمله روغن کرچک، روغن بادام، روغن گل و روغن مرزنگوش. در این قسمت، چرک بدن انسان نیز جزء روغن‌ها آمده است.

۱. برای اطلاع مبسوط درباره دیوسکوریدس و کتابش نگاه کنید به: محمدی‌فر، «دیوسکوریدس»؛ همو، «الحشائش، تأثیرگذارترین کتاب داروشناسی دوره اسلامی»، میراث علمی، سال ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۳۵-۴۷.

ج - درختان تولیدکننده صمغ، صمغها، شیره‌ها و برخی فرآورده‌های شیمیایی، به تعداد ۱۸ عدد از جمله مُر، کندر و درخت بَطْم (نوعی پسته وحشی).

د - درختان، بوته‌ها و پوست و ریشه برخی از آنها از جمله چنار، نی، گز، درخت حنا، آبنوس، گل رُز و زیتون، به تعداد ۳۶ عدد.

ه - میوه‌های بیشتر گوشتی (مانند خرما، سیب، به و انجیر)، برخی داروهای حاصل از میوه‌ها مانند خاکستر انجیر، دانه‌های خوراکی (مانند بادام، گردو، پسته) و گال بلوط به تعداد ۳۵ عدد.

مقاله دوم: این مقاله درباره جانوران (نرم‌تنان، سخت‌پوستان، بندپایان، ماهیها، خزندگان، پستانداران؛ ص ۱۲۷-۱۴۹) و فرآورده‌های خوراکی و دارویی جانوری است اما در ادامه آن شکر، غلات و ترکیبات و فرآورده‌های دارویی و خوراکی حاصل از آنها از جمله خمیر، ماء‌الشعیر، نشاسته و نیز گیاه کنجد (ص ۱۷۴-۱۸۱)، گیاهانی دیگر عمدتاً از گروه‌های بقولات (ص ۱۸۱-۱۸۸)، شب‌بویان (ص ۱۸۸-۱۹۲)، پنیرکیان، تاج خروسیان، چغندریان، علف هفت‌بندها، نعنائیان، مرکبان، کدویان، قارچ‌های خوراکی و علف‌های دارویی خوراکی و دارویی بیشتر تندمزه (مانند پیاز، سیر، خردل، فلفل و زنجبیل) آمده است (← ص ۱۹۲-۲۳۶). گفتنی است در مواردی که گیاهان مورد مطالعه او خواص کمابیش یکسانی داشته‌اند، اگر خویشاوندی بین آنها احساس می‌کرده، آنها را کمابیش در کنار هم آورده است. برای نمونه گیاهانی مانند انواع صُنْحُس، سِرِس/ هندبا، خُنَدِرِیَلِی که همگی به تیره مرکبان تعلق دارند (← ص ۱۹۵۲-۲۰۰، ۲۰۱)، و کدو، خیار و خربزه که اعضای تیره کدویانند پشت سر هم آمده‌اند (← همان، ص ۲۰۲).

مقاله سوم: این بخش درباره ریشه‌ها (مانند ریواس و جنطیانا؛ ص ۲۳۷-۲۴۷)، گیاهانی که از آنها عصاره‌های دارویی گرفته می‌شود (مانند صبر و افسنتین؛ ص ۲۴۸-۲۵۱) و گیاهان علفی (به ویژه گونه‌های زیادی از خانواده نعنائیان، چتریان و مرکبان؛ ص ۲۵۱-۳۰۸) است. قارچ دکمه‌ای جزء ریشه‌ها (← ص ۲۳۷)، چند نوع صمغ و عصاره گیاهی (← ص ۲۷۸-۲۸۱) و فرآورده دارویی جانوری (← ص ۲۸۱) نیز به صورت پراکنده در این بخش آمده است. در این مقاله (ص ۲۵۱-۲۵۸)، ۱۵ گیاه و به شمارش و ترتیب‌گذاری گونتر (ص ۲۶۳-۲۸۳)، ۱۸ گیاه که همگی از خانواده نعنائیان هستند پشت سر هم آمده‌اند.

مقاله چهارم: این قسمت (ص ۳۰۹-۳۷۱) دربردارنده بقیه گیاهانی است که دیوسکوریدس در مقاله‌های پیشین به آنها نپرداخته است به‌ویژه ریشه‌ها و گیاهان سمی و مخدر. گل سنگ نیز در این بخش آمده است (← ص ۳۲۸). در این مقاله، بیشتر به جنبه کاربردی گیاهان توجه شده و به همین دلیل سموم و مواد مخدر را در یک مقاله جای داده و این امر متناسب با حرفه مؤلف بوده است.

مقاله پنجم: این مقاله در بارهٔ تاکها، انگورها، باده‌ها، سرکه‌ها، شربت‌ها و نوشیدنی‌هایی مانند سکنجبین (ص ۳۷۳-۳۹۹) و مواد معدنی دارویی مانند فلزات، کانیها، سنگها، گِلها و حتی فسلیها (ص ۳۹۹-۴۴۲) است (نیز ← ج. لوی، ص ۵۸۹؛ م. لوی، ص ۲۱-۲۴).
شمار تقریبی داروهای با منشأ گیاهی در کتاب دیوسکوریدس ۶۰۰ است. دیوسکوریدس در ذیل نام بیشتر گیاهان، اطلاعاتی چون نامهای مترادف، انواع، توضیح مختصری از محیط و ویژگیهای ریختی (شامل رویشگاه، و توصیف برگ‌ها، ریشه‌ها، گل‌ها و دانه‌ها)، موقعیت جغرافیایی مکان‌هایی که بهترین و کاربردی‌ترین نوع آن گیاه را دارند، اجزای مورد استفاده، ویژگی‌های دارویی، روش آماده‌سازی، مقدار مورد استفاده، کاربردهای دارویی و عوارض استفاده از آن را توضیح می‌دهد. او گاهی مواد مغشوش و تقلبی یک مادهٔ دارویی را، به‌ویژه برای گیاهان غیربومی، و نیز روش تشخیص مغشوش بودن آن را نیز توضیح می‌دهد (← ۱۹۵۲، ص ۱۱-۱۴، ۱۹).
ویژگی‌هایی که دیوسکوریدس برای مشخصات ریختی و نیز خواص دارویی برخی مواد آورده است در موارد فراوانی با علم امروزی مطابقت دارد (← طباطبایی و کلاتر هرمزی، ص ۲۱۲-۲۱۳).

کتاب النبات دینوری:

ابوحنیفه، احمد بن داود بن وند دینوری، دانشمند جامع‌الاطراف ایرانی در قرن سوم است. علیرغم توجه و ارجاع نویسندگان معاصر وی و سپسین به آثارش، از زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست؛ مگر اندک توضیحاتی که افرادی مانند ابن‌ندیم و ابوحیان توحیدی از زندگی‌اش عرضه کرده‌اند و عیناً و به فراوانی نویسندگان سپسین همان‌ها را تکرار کرده‌اند. او در فاصلهٔ سال‌های ۲۰۰ تا ۲۱۰ قمری در دینور کرمانشاه به دنیا آمد. در بصره و کوفه ادب آموخت. مهمترین آموزگاران او ابن سکیت و پدرش بوده‌اند. در اصفهان و دینور به رصد پرداخته است (ابن‌ندیم، ص ۸۶؛ قربانی، ص ۲۴۷).
عبدالرحمان صوفی (ص ۸) که سال‌ها پس از مرگ دینوری، در سال ۳۳۵ ق، به دینور و خانهٔ دینوری رفته، از بزرگان آنجا شنیده بود که او بر بام حجره‌اش رصد می‌کرده است. در مورد تاریخ وفات او اختلاف نظر وجود دارد (← قمی، ص ۵۳-۵۴؛ فیروزآبادی، ص ۲۰؛ صفدی، ج ۶، ص ۳۷۷؛ یاقوت حموی، ۱۹۸۲، ج ۱، ص ۱۲۴)، اما سال‌های ۲۸۸ و ۲۸۲ ق که به خط ابن مسیح بر پشت کتاب النبات نوشته شده، احتمالاً به واقعیت نزدیک‌تر است (← یاقوت حموی، ۱۹۳۶، ج ۳، ص ۲۶؛ یاقوت حموی، ۱۹۸۲، همانجا؛ ذهبی، ج ۱۳، ص ۴۲۲؛ بغدادی، ج ۱، ص ۵۴).

در منابع عموماً به متفطن بودن و تسلط وی به علوم گوناگون اشاره شده است (← ابن‌ندیم، همانجا؛ سیوطی، ج ۱، ص ۳۰۶؛ بغدادی، ج ۱، ص ۵۴؛ صفدی، ج ۶، ص ۳۷۸) اما شهرتش در زمینه‌های ادبیات، تاریخ و گیاه‌شناسی بیشتر است (← عبدالله نعمه، ص ۱۶۲). در مجالست و

بلاغت سخن بر بسیاری از معاصرانش برتری داشته است (ابن ندیم، ص ۷۶). ابوحنان توحیدی او را به همراه جاحظ و احمد بن سهل بلخی، سه شخصیتی می‌داند که حق توصیف فعالیت‌های علمی، اخلاقی و فضائلشان ادا نشده و نخواهد شد (یاقوت حموی، ۱۹۳۶، ص ۲۷-۲۸). او به آغاز عصری از ادبیات عرب تعلق داشت که روح جاحظ بر آن حاکم بود، اما با این حال، به دلیل گرایشش به مکاتب فلسفی یونانی و علوم انسانی، حتی با جاحظ هم مقایسه شده است. البته در آثار دینوری، برخلاف جاحظ، پیروی از نوعی روشمندی مشهود است که پیش از وی لغت‌دانان مکاتب عراق آن را آغاز کرده بودند. همچنین گرایش و کار او در زمینه علوم دقیق که پیش از او دانشمندان ایرانی الاصل آن را بنا نهاده بودند، به روشمندی او در مطالعاتش کمک کرده است (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «الدینوری»). سید تقی‌الدین سید، افکار و آثار ابوحنیفه و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان او را به تفصیل در کتابی با عنوان ابی حنیفة الدینوری ومدرسته فی الأدب والنقد (قاهره [بی‌تا]) به نگارش درآورده است.

از مهمترین کتب دینوری، کتاب النبات اوست. سیوطی (همانجا) این کتاب را در نوع خود بی‌همتا دانسته است. هدف دینوری از تألیف این کتاب در درجه اول، پرداختن به موضوعات لغوی بوده، اما به واژه‌نامه‌ای بی‌همتا در زمینه تاریخ گیاه‌شناسی دوره اسلامی تبدیل شده است (← سارتون، ج ۱، ص ۵۸۶؛ سزگین، ج ۸، ص ۱۶۹). از حیث لغت‌شناسی نیز این کتاب مورد استفاده و استناد فرهنگ‌نویسان بسیاری قرار گرفته است (← ابن منظور، ج ۱۴، ص ۳۲؛ زبیدی، ج ۶، ص ۲۳۲). این کتاب حتی مورد توجه پزشکان بوده است (← ابن ابی اصیبعه، ص ۵۲۹). آنچه او نگاشته آمیخته‌ای از نوشته‌های پیشینیان، ادبیات شفاهی بدویان و تجربیات شخصی اوست (د. اسلام، چاپ دوم، ذیل «الدینوری» و «نبات»؛ ← تقی‌الدین سید، ص ۹۹-۱۲۴). لوکلر (ج ۱، ص ۲۹۸) احتمال داده است که دینوری برای نگارش این کتاب، سفرهای فراوانی کرده باشد تا نام و رویشگاه گیاهان را ثبت کند.

کتاب النبات از چند بخش تشکیل شده که ظاهراً همه آنها پیدا نشده است. بغدادی (ج ۱، ص ۲۵) کتاب النبات را حجیم و در ۶ جلد یاد کرده است. در شروع جزء پنجم هم آمده است: «جزء هشتم از اجزاء قاضی بن سعید سیرافی». در این صورت این جزء هشتم از اثر اصلی بوده است و احتمال دارد که کل کتاب در ده جزء بوده باشد (← دینوری، ۱۹۵۳، ص ۱، مقدمه لوین، ص ۴).

دینوری به نوعی طبقه‌بندی کاربردی در گیاهان زده است. وی در جزء سوم کتابش (چاپ سال ۱۳۹۴/۱۹۷۴) به موضوعاتی پرداخته است که برخی از آنها مستقیماً با علم گیاه‌شناسی و

1. EI²

- به‌ویژه طبقه‌بندی گیاهان و برخی دیگر به آفات و دیگر جانداران مؤثر بر زندگی گیاهان و نیز کاربردهای گیاهان در زندگی روزمره مرتبط است. این موضوعات به ترتیب شامل موارد زیر است:
 - آفات کشاورزی (ص ۳)،
 - انواع چراگاه‌ها و علف‌های مخصوص چرای چهارپایان و توصیه‌های سودمند در تیمار و رسیدگی به آنها به‌ویژه شتر (ص ۳-۵۲)،
 - ملخ‌ها (ص ۵۳-۷۰)،
 - قارچ‌های خوراکی (ص ۷۱-۸۶)،
 - انواع صمغ و شیرابه (ص ۸۶-۱۰۴)،
 - گیاهانی که برای دباغی به کار می‌روند (ص ۱۰۴-۱۲۱)،
 - انواع آتش‌گیر، درختانی که آتش‌گیر از آنها تهیه می‌شود، توصیف آتش، خاکسترها و دودها (ص ۱۲۲-۱۶۴)،
 - گیاهان مخصوص رنگرزی و خضاب (ص ۱۶۵-۱۸۴)،
 - گیاهان خوشبو و بدبو (ص ۱۸۴-۲۲۳)،
 - گیاهانی که در آن زمان به عنوان مسواک به کار می‌رفتند (ص ۲۲۳-۲۳۰)،
 - ریسمان‌هایی با منشأ گیاهان (ص ۲۳۱-۲۵۶)،
 - عسل و زنبور عسل (ص ۲۵۷-۲۹۴).
- سارتون (ج ۱، ص ۶۱۵) از این بخش به عنوان مقدمه‌ای مهم در علم گیاه‌شناسی و کشاورزی یاد کرده است.
- نیمه اول جزء پنجم کتاب النبات (۱۳۹۴/۱۹۷۴، ص ۲۹۷-۳۹۸) که در ادامه جزء سوم و هر دو در یک جلد چاپ شده‌اند، به انواع تیر و کمان پرداخته است.
- در بخشی دیگر از جزء پنجم کتاب (۱۹۵۳، ص ۲-۲۰۷ به بعد)، شرح گیاهانی که نام آنها با حروف «الف» تا «ز» آغاز می‌شود آمده است. در این جزء صرفاً ترتیب الفبایی برای مؤلف مهم بوده است، نه طبقه‌بندی گیاهان. در صفحه پایانی این جزء (ص ۲۰۸) که پایان جزء پنجم اعلام شده، اعلام و گیاهانی که نام آنها با حروف «س» به بعد آغاز می‌شود به جزء ششم موكول شده است.
- محمد حمیدالله با گردآوری نوشته‌های دینوری در آثار دیگران و براساس تنظیم آنها مطابق ترتیب الفبایی، جزء ششم کتاب النبات را با عنوان «القسم الثانی من القاموس النباتی» چاپ کرده است (← دینوری، ۱۹۷۳، ص ۲۵-۳۵۲؛ برای گزارشی از دست‌نویس‌های به‌جا مانده از این کتاب ← سزگین، ج ۴، ص ۳۴۳).

تقریباً همه آثار گیاه‌شناسی دوره اسلامی دو نقیصه عمده دارند: نخست آنکه به گیاهان عمدتاً از جنبه دارویی نگریسته و بسیار به ندرت به خود گیاه و آنچه در علم گیاه‌شناسی محض امروزی جای می‌گیرد پرداخته‌اند. دیگر اینکه مطالب این کتاب‌ها بیشتر برگرفته از مکتب یونانیان است. اما دینوری فارغ از آثار یونانی و بدون پرداختن به جنبه‌های دارویی و یا جادویی گیاهان، به واژگان، پراکنش و اشعار و امثالی که برای هر گیاه گفته شده، پرداخته است. نکته قابل ذکر دیگر در کتاب النبات این است که به احتمال زیاد دینوری برای نگارش کتابش مجبور به پیمایش میدانی یا به تعبیری جستجوی "صحرايي" بوده زیرا در بسیاری موارد، وی مطالبی از بدویان جزیره العرب نقل کرده و از آن‌ها سؤالهایی کرده است (← دینوری، همان، ص ۲۴؛ برای اطلاعات تکمیلی درباره دینوری و آثارش ← محمدی‌فر، ذیل "دینوری، ابوحنیفه").

المنصوری فی الطب رازی:

از زندگی ابوبکر محمدبن زکریای رازی اطلاع چندانی در دست نیست اما احتمالاً در ۲۵۱ قمری در ری به دنیا آمده است. ظاهراً از کودکی به علوم عقلی و ادبی علاقمند بود اما در حدود چهل سالگی به فلسفه و طب روی آورد و علایق گذشته را رها کرد. او آموختن طب و نیز طبابت را در بغداد آغاز کرد و سپس عهده‌دار ریاست در بیمارستانهای ری و بغداد شد. به گفته برخی او در جوانی به صرافی و زرگری نیز مشغول بود و سپس به عالم کیمیا وارد و به دلیل اشتغال به آن نابینا شد (کرمی، ذیل "رازی، محمدبن زکریا: ۱) زندگینامه".

از مهمترین آثار رازی در پزشکی، کتاب المنصوری فی الطب است. در سده‌های میانه در اروپا برخی از آثار رازی به لاتینی ترجمه شد. ژرار کرمونایی / گرادوس کرمونایی (مترجم آثار عربی به لاتینی؛ متوفی ۱۱۸۷/۵۸۳) کتاب نامبرده را در اسپانیا به لاتینی ترجمه کرد و این کتاب در ۱۸۸۶/۱۴۸۱ در میلان به چاپ رسید و بعداً دوباره به لاتینی و نیز عبری و یونانی ترجمه شد. نخستین بار، یوهان یاکوب رایسکه آن را در سال ۱۷۷۶ در هاله (آلمان) چاپ کرد (قاسملو، ذیل «رازی، محمدبن زکریا: ۲) آثار»؛ صدر، ذیل «رازی، محمدبن زکریا: ۴) تأثیر رازی در پزشکی قلمرو اسلامی و تمدنهای دیگر».

رازی در کتاب المنصوری فی الطب در مبحث قوای داروها، گیاهانی را در ذیل این عناوین آورده است:

- دانه‌هایی که از آن‌ها نان تهیه می‌شود: گندم، جو، برنج، باقلا، نخود، عدس، ماش، ترمس (لوبیا گرگی)، لوبیا، جُلَبان (خُلر)، ذرت، جاورس و دُخَن (ارزن) در این بخش آمده‌اند (← ص ۱۲۲-۱۲۴).

- توایل و ابازیر: در این بخش، رازی ۱۱ گیاه را آورده است که شامل فلفل، کُزَبَرَه (گشنیز)، کَمُون (زیره سبز)، گراویا (زیره سیاه)، کاشم (گل‌پر)، سَعْتَر (آویشن)، اَنجِدان (آنقوزه)، دارصینی (دارچین)، خولنجان، قُرْفَه (نوعی دارچین) و محروث (بیخ گیاه اُنجدان؛ ← ص ۱۴۴-۱۴۵).
- بقول و آنچه از آنها که در پخت‌وپز به کار می‌رود: رازی در این بخش، ۴۷ گیاه، اندام گیاهی و قارچ را ذکر کرده است که برخی از آنها عبارتند از: کاهو، کاسنی، گشنیز، طرخون، باذرنَجَبویه، نعناع، باذروح، کرفس، سیر، پیاز، انواع کلم، باذنجان، گزر، مارچوبه، انواع قارچ‌ها، چغندر، اسفناج، ترشک، کدو، شبت (شوید) و ترب (← ص ۱۴۵-۱۴۹).
- کامه‌ها (کَوامخ؛ نانخورش‌ها یا ترشی‌های اشتها‌آور)، رِواصیر (سرکه‌پرورده‌ها) و صباغات (چاشنی‌ها): علاوه بر انواعی از ترشی‌ها، خردل و زیتون نیز در این گروه قرار گرفته‌اند (← ص ۱۴۹-۱۵۱).
- فواکه و ثمار (میوه‌ها): رازی در این بخش، ۴۳ میوه از میوه‌های درختان و گیاهان غیر درختی و حتی خوراکی‌های غیر گیاهی و یا فراورده‌ها را آورده است. از میوه‌های درختی این موارد قابل ذکر است: خرما، انجیر، انگور، توت، موز، انار، به، گلابی و هلو. از میوه‌های گیاهان غیر درختی نیز موارد زیر دیده می‌شود: خربزه، خیار و قِثاء. دانه فلفل، شاه‌دانه و خشخاش و نیز مواد و فراورده‌هایی مانند فانید، عسل، شکر و ترنجبین نیز در این گروه قرار گرفته‌اند (← ص ۱۵۲-۱۵۶).
- ریاحین: ۱۹ گیاه خوشبو، عمدتاً شامل گل‌های زینتی و علفی در این گروه آمده است که برخی از نام‌آشنا‌ترین آنها عبارتند از: شاهسفرم، مرزنجوش، گل سرخ، بنفشه، نیلوفر، اقحوان، یاسمن، نسرين، نرگس و سوسن. عجیب آنکه چنار (دُلَب) در این گروه ذکر شده است (← ص ۱۵۶-۱۵۷).
- طیب: ۱۵ ماده خوشبو در این قسمت ذکر شده‌اند که بیشتر آنها اندام‌های گیاهان خوشبو و یا فراورده‌های گیاهی هستند از جمله کافور، صندل، عود، زعفران و گلاب (← ص ۱۵۸-۱۵۹).
- روغن‌ها: مؤلف در این قسمت، ۲۰ روغن از انواع گیاهان علفی و درختی را ذکر کرده است (← ص ۱۵۹-۱۶۰). در این بخش نیز تنها جنبه کاربردی هر گیاه از نظر تهیه روغن دارویی و خوراکی از آن مد نظر بوده است و لزوماً قرابتی بین گیاهان این بخش وجود ندارد.
- پوشاک: کتان و پنبه به دلیل استفاده از آنها در تهیه پوشاک در این بخش و به همراه پوشاک تهیه‌شده از منابع جانوری ذکر شده‌اند (← ص ۱۶۰-۱۶۲).

۱. معانی مختلفی مانند نوعی حلوا، قند سفید و شکر زرد و سرخ برایش ذکر شده است.

- داروهای پرکاربرد: این بخش، مفصلترین بخش تقسیمات داروها در این کتاب را به خود اختصاص داده زیرا ۲۳۸ دارو از منابع مختلف گیاهی، جانوری و شیمیایی در این بخش ذکر شده است. گیاهانی که در این بخش آمده‌اند نیز هیچ قرابتی با هم ندارند مگر جنبه فراوانی کاربرد آنها در دستورهای درمانی. برخی از آنها از این قرارند: آسارون، إذخر (کاه مکه)، آزاددرخت، آفستین، اسطوخودوس، پرسیاوشان، چنار، خرزهره، وسمه، زنجبیل، هل (هیل)، حنا، کندر، کتیرا، سماق و سدر (ص ۱۶۵-۱۸۸).

کامل الصناعة فی الطبّ مجوسی:

از زندگی علی بن عباس مجوسی (ت ۳۸۴ق) اطلاع زیادی در دست نیست. او پزشکی زرتشتی بود که در کتاب معروف خود به نام کامل الصناعة فی الطبّ (ج ۱، ص ۲، ۴۳۴) خود را شاگرد ابوماهر موسی بن یوسف بن سیار مجوسی و پزشک مخصوص عضدالدوله دیلمی معرفی کرده است. او این کتاب را به عضدالدوله دیلمی ملقب به فناخسرو تقدیم کرده است. مجوسی در کتابش از آثار پیشینیانی از جمله بقراط، جالینوس، اریباسیوس، بولس اجانیطی، ابن سربیبون و اهرن القسّ استفاده کرده، اما در عین حال بر برخی نیز خرده گرفته و کتاب خود را کامل تر دانسته است (ص ۳-۴).

او به دو نوآوری ارزشمند در کتابش دست یازیده است؛ نخست آنکه داروهایی را که از میراث یونانی به منابع دوره اسلامی راه یافته بودند اما مورد استفاده مردم قرار نمی گرفتند کنار گذاشت و تنها به توصیف داروهایی پرداخت که مورد استفاده مردمان ایران و عراق بود؛ دوم آنکه به یک تقسیم بندی تقریباً دقیق و علمی درباره داروها، به ویژه گیاهان دارویی، دست زد.

مجوسی خوردنی‌ها و داروها را چنین تقسیم کرده است:

الف- بدن در آغاز کار، خوردنی را دگرگون می کند و سپس آن خوردنی بدن را دگرگون می کند و به مزاج خود درمی آورد. قوت این خوردنی‌ها برابر با قوت بدن است. به این نوع از خوردنی‌ها، به طور کلی، دوا (دارو) می گویند مانند عاقرقرا و زنجبیل.

ب- خوردنی، بدن را دگرگون می سازد و بر آن چیره می شود و بدن توانایی دگرگون ساختن آن را ندارد. طبیعت این خوردنی‌ها نیرومندتر از طبیعت بدن است و در همگی جوهر خود با بدن ناسازگار (ضد) است. به این نوع از خوردنی‌ها، دواء قتال (داروی کشنده) گفته می شود.

ج- ماده خوردنی، در آغاز کار بدن را دگرگون می سازد، سپس بدن بر آن چیره می شود و آن را دگرگون می سازد و به طبیعت خود در می آورد. به این نوع از غذاها، غذای دارویی می گویند مانند کاهو، ماءالشعیر، پیاز و سیر.

د- بدن در همان آغاز کار، آن را دگرگون کرده و به طبیعت خود درمی‌آورد. این نوع از خوردنی همانند با بدن و غیر مجزا از طبیعت بدن است. به این نوع از خوردنی‌ها، غذا می‌گویند (ج ۱، ص ۱۷۷).
 مجوسی هر کدام از دسته‌های پیش‌گفته را نیز به اجزای دقیق‌تری تقسیم کرده است. برای نمونه، او برای ادویه مفرده (داروهای ساده)، براساس منشأ آنها، این تقسیمات را در نظر گرفته است: داروهای گیاهی، داروهای معدنی، و داروهای حیوانی. برخی از گیاهان نیز در دسته غذاها، گروهی در میان مواد خوشبوی دارویی، تعدادی نیز در بخش پوشاک و مؤثر بر سلامت بدن و گروهی نیز در میان داروهای سمی بررسی شده‌اند. بررسی این گروه‌ها و گیاهان عضو آنها، به شناخت نوعی تقسیم‌بندی گیاهان از دیدگاه مجوسی منجر می‌شود. او گاه کاملاً به جنبه‌های زیستی و ریختار گیاه توجه داشته و با این رویکرد گیاهان را جداگانه یا در کنار هم قرار داده است و گاه نیز فقط به کاربرد آنها توجه داشته است. گیاهان مورد نظر مجوسی در دسته‌های داروهای گیاهی، غذاهای گیاهی، ریاحین و طیب، گیاهان مورد استفاده در پوشاک و سرانجام گیاهان و فراورده‌های گیاهی زهردار قرار گرفته‌اند.

الف- داروهای گیاهی:

مجوسی در بخش داروهای گیاهی، گیاهان را بر اساس ریخت ظاهری آنها تقسیم کرده و این تقسیمات را برایشان قائل بوده است:

- حشائش: در این بخش، مجوسی از ۹۰ گیاه علفی نام برده است. با بررسی اعضای این زیربخش می‌توان نتیجه گرفت که مجوسی گیاهان علفی را به درستی در یک گروه قرار داده است. برخی از نام‌آشناترین آنها عبارتند از: افسنتین، شیخ (درمنه)، برنجاسف (بومادران)، شاهترج، خطمی، حناء، برشاوشان (پرسیاوشان)، فراسیون، بابونج، شاهسفرم و شبث. برخی از گیاهانی که در این بخش آمده است با برخی «بقول» که در بخش غذاهای گیاهی و در زیر بخش گیاهان فصلی ذکر کرده است، مشترکند، از جمله: غنب‌الثعلب، نعناع، سَرَمَق، کُرَاث (تره)، خَس (کاهو)، کُرُنْب (کلم)، کرفس و هندبا (کاسنی).
- بزور و حبوب: مجوسی در ابتدا از ۵۲ «بزر» نام می‌برد و به طبع و خواص هر یک می‌پردازد. تنها وجه مشترک این داروها آن است که همه اعضا، دانه‌های گیاهان هستند اما لزوماً قرابت زیستی با هم ندارند. برخی از این داروها عبارتند از: بزر کرفس، دوقوا (بزر گزر دشتی)، بزر رازیانج، بزر قَطونا (اسفرزه/ بارهنگ)، بزرالبنج، بزر رشاد و بزر پیاز. اگر عمده مصرف، خاصیت و شهرت گیاهی به دلیل بزر آن است، مؤلف از ذکر واژه «بزر» خودداری کرده است، مانند نانخواه، انیسون، قَرْدِمانا، افْتیمون، خردل، شونیز، سَمِسم (کنجد) و شوکران. برخی از گیاهان حامل این بزرها با گیاهان دیگر بخش‌ها مشترکند، از جمله: خطمی، کراث، کاهو، شبث، پیاز، فُجَل (ترب)، شاهسفرم و هندبا. او سپس از ۳۸ «حب»

و طبع و کاربرد دارویی آنها یاد کرده است، از جمله: شعیر (جو)، باقلا، ماش، کرسنه (گاودانه)، کاکنج (عروسک سر پرده)، لسان العصافیر و هیل. به دلیل شهرت دارویی «حب» این گیاهان، مؤلف از ذکر واژه «حب» در آنها خودداری کرده است. برخی از «حبوب» یا گیاه حامل آنها در این بخش با گیاهان دیگر بخش‌ها مشترک است، از جمله: شعیر (جو)، باقلا، ماش، جاورس، ترمس، ارز (برنج)، لوبیا، بطیخ (خریزه)، قرع (کدو)، خیار، هلیون (مارچوبه) و اترج.

- برگ‌های دارویی: در این بخش، مجوسی برگ دارویی ۳۸ گیاه را برشمرده است که لزوماً قرابت زیستی ندارند بلکه تنها وجه مشترکشان آن است که اندام برگی این گیاهان مورد نظر مجوسی بوده است، از جمله برگ‌های هلو، چنار، خرزهره، سنا، وسمه، زیتون، کبیر، توت و گردو.

- انوار (گل‌ها): مجوسی از ۳۳ گل دارویی نام برده و طبع و خواصشان را برشمرده است، از جمله: ورد (گل سرخ)، نسرین، یاسمین، نرجس، بنفسج، گل باقلا و زعفران. او گل‌های مربوط به بادام، سیب، به، گلابی و بید را به دلیل خواص مشابه، ذیل یک عنوان و به این صورت آورده است: "ورد اللوز و التفاح و السفرجل و الکمثری و الخلاف". همچنین است «ورد البهرامج و البلخیه» (گل بیدمشک). در این قسمت نیز قرابت زیستی مشاهده نمی‌شود اما همه داروها، قسمت برگی این گیاهان هستند.

- میوه درختان: مجوسی در این قسمت، ۳۹ میوه دارویی را ذکر کرده است، از جمله میوه بلادُر، بُندُق (فندق) هندی، کزمازج (گزمازک)، جوزالسرو (میوه سرو)، فوُل، عَفَص (مازو)، بلوط، أَمَلَج (آمله)، تمر هندی، جوز بوا، بادام تلخ، بادام شیرین، زبیب (مویز) خراسانی، خرنوب شامی و نبطی، عناب، زُرور، خصی الثعلب، حنظل و زیتون. مجوسی به دلیل نامعلومی، میوه‌های برخی گیاهان علفی مانند خصی الثعلب و حنظل را در این قسمت آورده است. از آنجا که شکل عَفَص (مازو)، گرد و مشابه میوه است، مجوسی آن را در کنار دیگر میوه‌های درختی آورده است.

- ادهان (روغن‌ها): مجوسی از ۲۷ روغن گیاهی دارویی و طبع و خواصشان یاد کرده است. در این بخش، روغن گیاهانی که در سایر تقسیمات او قرار گرفته بودند به چشم می‌خورد، از جمله: روغن گل سرخ، بنفسج، حب القرع (تخم کدو)، بادام شیرین، گردو، ترب، شبث و بابونج.

- طبایع و عصارات: مؤلف در این قسمت، از ۲۵ عصاره و فراورده گیاهی و طبع و خواص دارویی آنها یاد کرده است، از جمله: صبر، دم‌الاکوین، عصاره غافَت، مامیثا و افسنتین، زوفای رطب، رامک (ظاهراً آن را از مازو می‌گرفتند)، نیل/ نیلج، و لبن یتوعات (شیرابه فرسیون/ شیرابه‌های

- گیاهی). جالب است که مجوسی مواد دیگری مانند سرکه دُرْد (ته‌نشین) شراب، ثُفل الزيت (ته‌نشین روغن زیتون)، مایهٔ خمیر و نشاستهٔ گندم را هم در این قسمت ذکر کرده است.
- صموغ: مؤلف از ۲۳ صمغ دارویی و طبع و خواص هر یک سخن گفته است، از جمله صمغ عربی، صمغ بادام تلخ، صمغ إجاص (آلو)، کثیراء (کتیرا)، مصطکی، بُبان (کندر)، سندروس، کهربا، سَکبینج، قطران (حاصل از چوب) و بارزذ (بارزد/قَنَه/قَنَه؛ احتمالاً صمغ گونه‌ای آنقوزه).
- اصول (ریشه‌ها): مجوسی، ۴۱ ریشهٔ دارویی را با طبع و خواص آنها ذکر کرده است از جمله: قشور اصل الکرفس، قشور اصل الرازیانج، راسن، اصل الإذخر، زراوند، عروق الصفر (مامیران؛ زردچوبه)، بصل الفأر، پیاز، سیر، سورنجان، خربق و زنجبیل (ج ۲، ص ۱۰۰-۱۲۹).

ب- غذاهای گیاهی

مؤلف غذاها را به دو دسته گیاهی و حیوانی تقسیم کرده و غذاهای گیاهی را نیز به انواع زیر تقسیم کرده است:

۱. گیاهان فصلی، شامل انواع زیر:
 - دانه‌ها [و فراورده‌های آنها]: مجوسی در این بخش، ۲۳ دانهٔ خوراکی و مواد حاصل از آنها را با ذکر طبع و خاصیت ذکر کرده است که عبارتند از: گندم، نان، سَوِیق (آرد سفید و الک شده)، نشاسته، اطریه (رشته‌های نوعی آش)، نخاله (سبوس)، جو و آنچه از آن به دست می‌آید، کشک الشعیر (کشکاب/آش جو)، نان جو، سویق جو، برنج، دُخُن (ارزن) و جاورس، عدس، باقلا، ماش، نخود، تُرْمُس (لویبای گرگی/باقلائی مصری)، حلبه (شنبليله)، لویبای، کنجد، خشخاش و شاهدانه.
 - بُقول (سبزیجات): مؤلف در این بخش، ۲۳ گیاه و یا گروه گیاهی را آورده است که برخی از آنها از جمله موارد زیر در فهرست مشابهی که رازی در المنصوری فی الطَّب ذکر کرده است، وجود ندارد: خبازی، بقلة الحمقاء (خرفه)، عنب الثعلب، ساقه‌های گیاهانی که دانه می‌دهند و قنبیط (کلم رومی). در این زیر بخش، نیز مانند زیر بخش حشائش، شباهت ظاهری گیاهان خوراکی مورد توجه مجوسی بوده است.
 - ریشه‌ها: این بخش شامل ۵ ریشه یا بیخ خوراکی است؛ شلغم، گزر، ترب، پیاز، سیر و کراث.
 - میوهٔ بُقول: مؤلف در این گروه، ۱۱ عضو را برشمرده است که عبارتند از: بادنجان، کنگر، حَرشَف (کنگر بری)، کدو، خربزه، خیار و خیارزه (قشاء)، هندوانه، نی شکر، موز و کُمأة (انواعی از قارچ‌های خوراکی). برخی از این اعضا، میوهٔ واقعی هستند اما در برخی مانند کنگر، حرشف و نی شکر، سرشاخه‌های هوایی گیاه، به عنوان بخش خوراکی و قابل استفاده

- گیاه، مورد نظر مؤلف بوده است نه مفهوم زیستی میوه. جالب است که مؤلف، موز را که میوه گیاهی درختی است، نه بقلی، در این بخش ذکر کرده است.
۲. میوه‌های درختان، شامل بخش‌ها و انواع زیر:
- میوه‌های درختان بزرگ و باغی (بستانی): شامل ۲۱ میوه، و یا اندام‌های گیاه از جمله بخش بارده که عبارتند از: زیب (مویز)، اترج، آلو، جُمّار (پنیر نخل) و طلع (شکوفه نر و ماده نخل)، زیتون.
 - میوه‌های درختان دشتی و کوهی: شامل ۱۱ میوه درختی که عبارتند از: خرنوب، کبَر، بلوط، شاه‌بلوط، حبة‌الخضراء (بَنه) و بطم، نَبَق (احتمالاً کُنار)، زعرور، غبیراء (سنجد)، عناب و سپستان (ج ۱، ص ۱۷۷، ۱۷۹-۱۹۱).

ج- ریاحین و طیب

- مؤلف در جای دیگری از کتابش (ج ۱، ص ۲۰۸-۲۱۰)، به تأثیر دو دسته از بوییدنی‌ها با نام‌های "ریاحین"، به معنی گیاهان خوشبو، و "طیب"، به معنی عطرها، بر بدن اشاره کرده و برخی دیگر از گیاهان را در این دو دسته قرار داده است:
- ریاحین: مؤلف ۲۲ گل، برگ و یا گیاه علفی خوشبو را در این بخش و ذیل "ریاحین" آورده است که عبارتند از: آس (مورد)، ورد (گل سرخ)، شاسفرم، مرزنجوش، یاسمین، نسرين، نرجس، سوسن، بنفسج، خیری (نوعی شب‌بو)، لفاح (سایبرک)، لینوفر (نیلوفر)، افرنج‌مشک، بهرامج (بید مشک)، بَرَم (گل درختچه ام غیلان/ مغیلان)، بلخیه، سفرجل و تفاح، اترج، نارنج و لیمون.
 - طیب: در این قسمت، ۱۱ ماده خوشبوی گیاهی و غیر گیاهی قرار گرفته‌اند که اندام‌ها و یا فراورده‌های گیاهی زیر در میان آنها قرار دارند: صندل، کافور، بنگ، عود، بسباسه، سنبل‌الطیب و قُسط.

د- گیاهان مورد استفاده در پوشاک

- مجوسی (ج ۱، ص ۲۱۰) در تقسیماتی که از داروها و غذاهای گیاهی داشته، نامی از کتان و پنبه نبرده است درحالی که این دو گیاه دارای برخی خواص دارویی نیز هستند. به دلیل اهمیت این گیاهان در تهیه لباس، مؤلف تنها به ذکر تأثیرات لباس‌های کتانی و پنبه‌ای بر بدن پرداخته است.

ه- گیاهان و فراورده‌های گیاهی زهردار

- برخی دیگر از گیاهان و یا فراورده‌های گیاهی در میان ادویه کشنده (قتاله) جای گرفته‌اند زیرا زیاده‌روی در مصرف آنها، گاه منجر به مرگ می‌شود. این گیاهان از نظر زیستی شباهتی به هم

ندارند و وجه مشترک آنها، خاصیت سمی آنهاست. مجوسی رفع مسمومیت با این داروها را نیز در کتابش ذکر کرده است. این گیاهان و مواد گیاهی عبارتند از: بیش (نامی هندی- ایرانی برای گونه‌هایی از گیاهان جنس آقونیطون از تیره آلانگان، به‌ویژه ریشه/ بیخ آنها و ماده سمی کمابیش کشنده‌ای که از این اندام استخراج می‌شود)؛ قرون‌السنبل (دربارۀ این فراورده گیاهی اختلاف نظر وجود دارد. غالباً آن را نوعی بیش سیاه می‌دانند که از ریشه نوعی سنبل هندی استخراج می‌شود)؛ شوکران (ماده‌ای سمی در اندام‌های گوناگون، به ویژه ریشه گیاه شوکران کبیر)؛ بنج (نامی برای گیاهان مختلف و یا فراورده‌های حاصل از این گیاهان، به ویژه گیاه حشیش یا شاهدانه که در منابع دوره اسلامی، به نام‌های دیگر کَنَب/ کَنَب/ قَدَب/ قَدَب آمده است)؛ یبروح (نامی برای ریشه مهرگیاه)؛ جوزالمائل (گیاهان تاتوره/ داتوره متعلق به جنس داتورا)؛ بصل‌العُنْصَل (پیاز گونه‌های جنس نجم‌آبی)؛ فُطْر (انواعی از قارچ‌های سمی)، و چهار گیاه و قارچ مشترک با دیگر تقسیمات مجوسی در کتابش، شامل بزرقطونا، کزبرة الرطبة، کُمَاة (انواعی از قارچ‌های خوراکی) و دفلی (خرزهره) (مجوسی، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۳۱).

نتیجه:

با مطالعه متون داروشناسی دوره اسلامی نوعی طبقه‌بندی عالم گیاهان قابل استنتاج است. گاه این طبقه‌بندی بر اساس ویژگی‌های زیستی و محیطی گیاه صورت گرفته است. نوعی طبقه‌بندی درباره گیاهان خوراکی و دارویی نیز در مباحث مربوط به غذاها و داروها دیده می‌شود که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

- الف- طبقه‌بندی براساس ویژگی‌های زیستی و محیطی گیاه: این طبقه‌بندی بر اساس موارد زیر انجام و هر دسته برخی گیاهان را در بر می‌گرفت:
- ظاهر رویشی گیاه: بر این اساس، گیاهان را در دسته‌های زیر جای می‌دادند: گیاهان علفی، بوته‌ای، درختی، بدون خار، خاردار، بالارونده (پیچان)، برافراشته، گسترده بر زمین؛
 - رویشگاه گیاه: گیاهان خشکی‌زی، آبی‌زی، نزدیک آبها، بزی (صحرایی/ دشتی)، جبلی (کوهی)/ صخره‌ای/ مکانهای سخت؛
 - محل و جغرافیای رویش گیاه: فارسی (ایرانی)، هندی، یونانی، عربی (شامی، عمانی، ...)، نبطی؛
 - ویژگی‌های ریختی بخش‌های مختلف گیاه؛
 - صفات ظاهری گیاه: گیاهان صمغ‌دار خوشبو، صمغ‌دار بدبو، گیاهان گل‌دار، گیاهان معطر؛
 - زمان رویش و مدت دوام گیاه: بهاری، یکساله، پایا، خزان‌کننده و بدون خزان (← قهرمان و اخوت، ج ۲، ص ۹۵-۹۷).
- ب- طبقه‌بندی گیاهان در ذیل طبقه‌بندی‌های مربوط به خوردنی‌ها و داروها:

در پزشکی و داروسازی دوره اسلامی، خوردنیها در چهار درجه تقسیم شده‌اند. درجه نخست به غذاها، درجات دوم و سوم به داروها (ادویه) و درجه چهارم به زهرها تعلق داشت. موادی که در میان درجات اول و دوم قرار داشتند به غذای دارویی و مواد میان درجات سوم و چهارم به داروی سمی مشهور بودند (ابوریحان بیرونی، ص ۱۶۲؛ نیز ← هر وی، ص ۳). جالینوس غذا را آن چیزی می‌دانست که باعث رشد انسان می‌شود و دوا را چیزی می‌دانست که طبیعت را تغییر می‌دهد (← ربن طبری، ص ۳۹۹؛ نیز ← ابن رشد، ص ۳۶۱؛ بغدادی، ص ۵۷)؛ هر چند در پزشکی یونانی و اسلامی غذا نقش دارو را هم دارد؛ چنانکه مجوسی (ج ۱، ص ۱۷۸-۲۰۸) در شرح و تقسیم غذاها، ویژگی‌های درمانی هر یک را نیز برشمرده است. به عقیده قدما اگر قوت و طبیعت این خوردنی از قوت و طبیعت بدن بیشتر باشد، آن دارو کشنده (سم/ زهر) است. اگر نخست ماده خوردنی، بدن را تغییر دهد و سپس بدن بر آن چیره شود و آن را تغییر دهد آن را غذای دارویی می‌گفتند مانند کاهو و پیاز. اما اگر بدن، ماده خوردنی را به طبیعت خود بدن تغییر دهد آن را غذا می‌دانستند. به نوشته ابوریحان بیرونی (همانجا) اولویت در استفاده از این مواد به ترتیب شامل غذای دارویی و در نهایت داروی سمی بود. در غذاهای دارویی هم اولویت با داروهای ساده، سپس مرکب، آن هم با کمترین مقدار و بی‌ضررترین آنها بود. داروی سمی هم باید پیش از استفاده اصلاح می‌شد.

داروها (ادویه) شامل دو گروه کلی مفرده و مرکبه بوده است. ادویه مفرده (داروهای ساده) از سه منبع نبات (گیاه)، حیوان (جانور) و جماد (معدن) به دست می‌آمدند. در یک تقسیم‌بندی، ادویه مفرده به سه دسته داروهای غذایی (مانند برنج و آلو)، داروهای حیوانی (مانند انسان و افعی) و داروهای مطلق شامل دو گروه نباتی (مانند افسنتین و اقیمون) و معدنی (مانند حجرالیهود و گِل) تقسیم شده‌اند (← جرجانی، ص ۵۸۵-۶۳۸). اما در بیشتر تقسیم‌بندی‌های دیگر داروها را صرفاً براساس منشأ به سه دسته گیاهی، جانوری و معدنی تقسیم می‌کردند. ادویه مفرده گیاهی شامل حشاش (گیاهان علفی)، بقول، بزور و حبوب، برگ‌ها، ریشه‌ها، چوب (خشب)، عصاره‌ها، صمغ‌ها، گل‌ها، میوه‌ها و روغن‌ها بودند. داروهای جانوری شامل اعضای بدن جانوران، رطوبات، بول و زبل آنها، و داروهای جمادی یا معدنی نیز شامل سنگ‌ها، گِل و اجساد بود (← ابوریحان بیرونی، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ مجوسی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ عقیلی علوی خراسانی، ص ۲۶-۲۷).

منابع:

ابن ابی اصیبعه، عیون الأنبیاء فی طبقات الأطباء، چاپ نزار رضا، بیروت: دار مکتبه الحیاء [۱۹۶۵]؛

ابن جلجل، طبقات الأطباء و الحكماء، چاپ فؤاد سید، قاهره: مطبعة المعهد العلمی الفرنسی للاثار الشرقیة، ۱۹۵۵؛



- ابن رشد، محمد بن احمد، الکلیات فی الطب مع معجم بالمصطلحات الطیبة العربیة، چاپ محمد عابد الجابری، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۹؛
- ابن عبری، تاریخ مختصرالدول، چاپ انطوان صالحانی الیسوعی، بیروت: مطبعة الكاتولیکیه، ۱۹۵۸؛
- ابن منظور، لسان العرب، چاپ علی شیری، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛
- ابن ندیم، کتاب الفهرست، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن: موسسة الفرقان للتراث الاسلامی، ۲۰۰۹/۱۴۳۰؛
- ابوریحان بیرونی، الصیدنة فی الطب (داروشناسی در پزشکی)، ترجمه روسی به وسیله ع. ا. کریموف، ترجمه فارسی باقر مظفرزاده، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳ش؛
- اخوان الصفاء، رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، اعداد و تحقیق عارف تامر، بیروت: منشورات عویدات، ۱۹۹۵/۱۴۱۵؛
- موفق‌الدین عبداللطیف بغدادی، الطب من الكتاب و السنه، چاپ عبدالمعطی امین قلعبجی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۸/۱۴۰۹؛
- تقی‌الدین سید، ابی حنیفة الدینوری و مدرسته فی الأدب و النقد، قاهره: نهضة مصر، [۱۹۸۹]؛
- سید اسماعیل جرجانی، کتاب الأغراض الطبیة و المباحث العلائیة، عکس نسخه مکتوب در سال ۷۸۹ هجری، محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۵ش؛
- ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی، کتاب مفاتیح العلوم، ویراسته فان فلوتن، لیدن: چاپخانه بریل، ۱۹۶۸؛
- ابوحنیفه دینوری، کتاب النبات: قطعة من الجزء الخامس، چاپ برنارد لوین، لیدن: چاپخانه بریل، ۱۹۵۳؛
- همان: قسم الثانی من القاموس النبائی: حروف س-ی، چاپ محمد حمیدالله، قاهره: المعهد العلمی الفرنسی للأثار الشرقیة بالقاهرة، ۱۹۷۳؛
- همان: الجزء الثالث و النصف الاوّل من الجزء الخامس، چاپ برنارد لوین، ویسبادن ۱۳۹۴/ ۱۹۷۴؛
- پدانیوس دیوسکوریدس، هیولی الطب فی الحشائش و السموم، ترجمه اصطفن بن بسیل و اصلاح حنین بن اسحاق، چاپ سزار ا. دوبلر و الیاس ترس، تطوان: دارالطباعة المغربية، ۱۹۵۲؛
- همان: الحشائش، ترجمه مهران بن منصورین مهران، چاپ عکسی از نسخه خطی [کتابخانه‌ی] کاخ گلستان، تهران: موزه تاریخ پزشکی، ۱۳۸۳ش؛
- ابوبکر محمد بن زکریای رازی، المنصوری فی الطب، چاپ حازم البکری الصّدیقی، کویت:

- معهد المخطوطات العربية، ۱۴۰۸/۱۹۸۷؛
- محمد بن احمد ذهبي، سير اعلام النبلاء، چاپ شعيب أرنؤوط و ديگران، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱-۱۴۰۹/۱۹۸۱-۱۹۸۸؛
- ابوالحسن على بن سهل ربن طبرى، فردوس الحكمة فى الطب، تصحيح محمد زبير الصديقى، برلين، چاپخانه آفتاب، ۱۹۲۸؛
- محمد بن محمد زيدي، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ حسين نصّار، كويت ۱۳۶۹/۱۹۶۹، چاپ افست بيروت [بى تا]؛
- عبدالرحمن سيوطى، بغية الوعاة فى طبقات اللغويين و النحاة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهيم، قاهره: مطبعة عيسى البابى الحلبي و شركاء، ۱۳۸۴/۱۹۶۴-۱۹۶۵؛
- محمد صدر، «رازى، محمد بن زكريا: ۴) تأثير رازى در پزشكى قلمرو اسلامى و تمدنهاى ديگر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، تهران: ۱۳۹۳، ص ۱۶۵-۱۶۹.
- خليل بن ايبيك صفدى، كتاب الوافى بالوفيات، ويسپادن و بيروت: فرانتس اشتاينر و دار صادر، ۱۹۶۲-۲۰۰۹؛
- عبدالرحمن صوفى، صور الكواكب الثمانية و الاربعين، حيدرآباد، دكن: دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۷۳/۱۹۵۴؛
- محمد حسين بن محمد هادى عقيلى علوى خراسانى، مخزن الأدوية، كلكته، ۱۸۴۴، چاپ افست تهران، ۱۳۷۱؛
- ابونصر محمد بن محمد فارابى، احصاء العلوم، ترجمه حسين خديوجم، تهران، انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۶۴؛
- مجدالدين محمد بن يعقوب فيروزآبادى، البلغة فى تاريخ ائمة اللغة، چاپ محمد مصرى، دمشق: وزارة الثقافة و الارشاد القومى، ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛
- فريد قاسمى، "رازى، محمد بن زكريا: ۲) آثار"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، تهران: ۱۳۹۳، ص ۱۵۸-۱۶۱.
- ابوالقاسم قربانى، زندگينامه رياضيدانان دوره اسلامى: از سده سوم تا سده يازدهم، تهران: مركز نشر دانشگاهى، ۱۳۶۵؛
- شيخ عباس قمى، الكنى و الالقب، صيدا، چاپ افست قم، ۱۳۵۷؛
- احمد قهرمان و احمد رضا اخوت، شرح تطبيقى گياهان دارويى كهن، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸؛

طیبه کرمی، «رازی، محمدبن زکریا: ۱) زندگینامه»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۹، تهران: ۱۳۹۲، ص ۱۵۷-۱۵۸.

علی بن عباس مجوسی، کامل الصناعة فی الطب، بولاق: المطبعة الكبرى، ۱۲۹۴؛
شمامه محمدی فر، "دیوسکوریدس"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، تهران: ۱۳۹۲، ص ۷۲۰-۷۳۱.

همو، "دینوری، ابوحنیفه"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸، تهران: ۱۳۹۲، ص ۶۲۱-۶۲۴.
شیخ عبدالله نعمه، فلاسفة الشیعه: حیاتهم وآراؤهم، چاپ علامه شیخ محمد جواد مغنی، قم:
دارالکتاب الاسلامی، ۱۹۸۷؛

موفق‌الدین ابومنصور علی هروی، الأبنیة عن حقایق الأدوية، تصحیح احمد بهمنیار، به کوشش
حسین محبوبی اردکانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶؛

یاقوت حموی، معجم الادباء، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [تاریخ مقدمه: ۱۹۳۶]؛
همو، کتاب الارشاد الاریب الی معرفة الادیب المعروف بمعجم الادباء او طبقات الادباء، چاپ
د. س. مرجلیوٹ، دهلی: کتاب بهون، کلان، ۱۹۸۲؛

Tamás Bezecky, "Amphorae from the forum of Emona", *Arheološki vestnik (=Acta Archaeologica)*, no. 45, 1994, pp. 81-93;

Dictionary of Scientific Biography, ed. Charles Coulston Gillispie, New York: Charles Scribner's Sons, 1981, s.v. "Dioscorides" (by John M. Riddle);

Pedanius Dioscorides, *Dioscorides de materia medica: being an herbal with many other medicinal materials*, [ed. and tr.] Tess Anne Osbaldeston and Robert P. A. Wood, Johannesburg 2000;

The Encyclopaedia of Islam, new ed., sv. "Al- Dīnawarī, Abū Ḥanīfa Aḥmad b. Dāwūd" (by B. Lewin), "Nabāt" (by Remke Jruk), Leiden: Brill, 1960- 2002;

Johannes Ilberg, *Das Hippokrates-Glossar des Erotianos und seine ursprüngliche Gestalt*, Leipzig: S. Hirzel, 1893;

Edward Kremers and George Urdang, *Kremers and Urdang's history of pharmacy*, ed. Glenn Sonnedeker, 3rd ed., Philadelphia: Lippincott, 1963;

Lucien Leclerc, *Histoire de la médecine arabe*, Paris 1876, repr. Frankfurt am Main: Institute for the history Of arabic - islamic science at the Johann Wolfgang Goethe University, 1996;

Martin Levey, *Early Arabic pharmacology: an introduction based on ancient and medieval sources*, Leiden: E. J. Brill 1973;

Jaroslav Levy, "[Review of] *The Greek Herbal of Dioscorides*, tr. John Goodyer, ed. Robert T. Gunther", *ISIS*, Vol. 51, No. 4, (Dec. 1960), pp. 588- 590;

Vivian Nutton, *Ancient medicine*, London: Routledge, 2004;

Linette A. Parker, "A brief history of *Materia medica* (continued)", *The American Journal of Nursing*, Vol. 15, No. 9, (June 1915);

Plinius/ Pliny [the Elder], *Natural history*, with an English translation, vol. 7,



tr. W. H. S. Jones, Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1966;

G. Sarton, *Introduction to the history of science*, Malabar & Florida, repr. 1975;

John Scarborough, "Early Byzantine pharmacology", in *Symposium on Byzantine medicine*, ed. John Scarborough, Washington D.C.: Dumbarton Oaks Research Library and Collection, 1985;

Fuat Sezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden: E. J. Brill, 1967- ;

Jerry Stannard, "P. A. Mattioli: sixteenth century commentator on Dioscorides", in *bibliographical contributions 1.*, Lawrence, 1969, repr. in *ibid*, *Herbs and herbalism in the middle ages and renaissance*, ed. by Katherine E. Stannard and Richard Key, Great Britain, Hampshire, Ashgate variorum, 1999.

تأثیر علوم ریاضی در تقویت نفس و تقویم و تعدیل فکر

علم به قوانین حسابی و قواعد مسائل عددی در تقویت نفس انسانی از اعظم وسائل است. به خصوص علم هندسه که در تعدیل و تقویم ذهن و فکر و قلم و بیان تأثیری به سزا دارد. حکما و فلاسفه بزرگ گفته‌اند: برای رسیدن به معرفت حقایق اشیاء، فکر را باید به علوم ریاضی ورزش داد.

آری علوم ریاضی برای حکیم به مثابت مسطره برای خطاط است. همچنان که مسطره مشاق را از کجی و بی‌نظمی در کتابت حروف و انحراف سطوح حافظ است، علوم ریاضی نیز فکر را از خطا و اعوجاج و انحراف باز می‌دارند و به آن استقامت و اعتدال می‌دهند؛ زیرا که مسائل آن مبتنی بر قواعد خلل ناپذیر است و هیچ مسامحه و سهل‌انگاری در آن‌ها راه ندارد و با تخمین و تقریب درست نمی‌شود. اگر اندک اشتباه و غفلت در اعمال قوانین آن به محاسب روی آورد، از نتیجه فرسنگ‌ها دور می‌شود و از رسیدن به مقصود باز می‌ماند. لذا گفته‌اند که عدد برای محاسب مانند دندان‌های کلید است که اگر زائد یا ناقص باشد فتح باب نمی‌شود و هرگز درب مطلوب به روی او باز نمی‌گردد.

لذا انسان‌های ورزیده در علوم ریاضی صاحب رأی صائب و نظری ثاقب و کم‌گوی و گزیده‌گوی و دیرگوی و نکوگوی می‌شوند. عبارات و الفاظ آنان نوعاً حساب شده است. قلم آنان بسیار رصین و متین است. می‌بینیم که عبارات خواجه طوسی در شرح اشارات شیخ رئیس و تحریر اصول اقلیدس و تحریر مجسطی بطلمیوس و دیگر مصنفاتش به فارسی و عربی چنان سخت استوار است که گویی به جای مرکب، سرب مذاب به کار برده است. [آیت‌الله حسن زاده آملی، یازده رساله، تهران، ۱۳۶۳، ص ۵۹۸]

